

پایگاه‌ها» بیژن تلیانی

جامعه مادر سالار و نقش مردان

نقش زنان در جامعه گرچه امروز به صورت یک مساله اجتماعی و در زمره بحث‌های حقوق زنان مطرح است اما این مقوله از منظر تاریخی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.
ایسا زنان همواره تحت ستم بوده‌اند و در طول تاریخ به عنوان جنس دوم تلقی می‌شده‌اند یا این مناسبات همیشه به این شکل نبوده است؟
آیا در تاریخ بشر دورهای را سراغ داریم که زنان رهبری جامعه را بر عهده داشته باشند؟ اگر چنین بوده چگونه این مناسبات دگرگون شده و به جوامعی با فرهنگ مردسالار تبدیل شده است؟ این پرسش‌ها محققان را به کنکاش در عمق تاریخ واداشته و حقایقی را آشکار کرده که قابل توجه است.

ایولین رید محقق و نویسنده امریکایی یکی از این پژوهشگرانی است که سال‌ها برای احیای حقوق زنان تلاش کرده و در این راستا به پژوهش‌های تاریخی ارجمندی نیز دست یازیده است.
ایولین رید که در سال ۱۹۰۵ متولد شده بود در ۳۵ سالگی به جنبش سوسیالیستی پیوست و برای احقاق حقوق کارگران و اتحادیه‌های کارگری در همه نقاط جهان تلاش کرد.
در کنار این مبارزات، او برای آزادی زنان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی نیز تلاش‌های فراوانی کرد.
وی در کشورهای مختلف امریکا، کانادا، استرالیا، نیوزیلند، ژاپن، ایرلند، بریتانیا و فرانسه به ایراد سخنرانی و طرح ایده‌های خود پرداخت و چهره‌ای شناخته‌شده در جهت رفع تبعیض و ستم از زنان شد.
ایولین رید کتاب‌های زیادی درباره مساله زنان و به ویژه نقش آنها در تاریخ و تمدن گذشته بشری نگاشته و نظریات تازه و نویی ارائه کرده است.
از جمله کتاب‌های وی تکامل زنان است که حاصل ۲۰ سال پژوهش اوست که به زبان فارسی نیز برگردانده‌شده‌است.

کتاب برادرسالاری بخشی از کتاب تکامل زنان وی است که توسط خانم پروین صدقیان به فارسی ترجمه شده و توسط نشر گل آذین منتشر شده است.
رید در کتاب برادرسالاری از دورهای یاد می‌کند که مناسبات مادرسالاری در جامعه بشری حاکم بوده و مادر در راس قبیله‌ای بوده که همه از طریق او خویشاوند به شمار می‌رفتند.
در کتاب برادرسالاری نقش مردان در چنین جامعه‌ای تصویر شده‌است.

برادرسالاری

بر اساس پژوهش‌های ایولین رید نخستین سازمان اجتماعی بشر بر اساس مادرسالاری شکل گرفته است.
این دوره که طولانی‌ترین دوره زیست بشری بوده مربوط به زمانی است که معیشت آدمیان از طریق شکارگری و گردآوری خوراک از منابع طبیعی تامین می‌شده است.
او در این جامعه از نقش و روابط مردان که همه از یک مادر زاده شده‌اند با عنوان برادرسالاری یاد می‌کند.
ایولین در این کتاب نحوه تحول و تغییرات این جامعه را تا حدی نشان داده و مناسبات اقتصادی و داد و ستد و تولید و همچنین خانواده را در آن شرایط توصیف کرده است.
وی در مقدمه به خواننده یادآوری کرده است که بازنمایی این دوران به عنوان بهشت گمشده و جامعه الگویی نیست که به عنوان اتوپیای مطرح شده و خواهان بازگشت به آن باشیم بلکه نشان دادن ریشه‌ها و پیشینه شکل گیری مناسبات بعدی است و صرفاً به عنوان یک پژوهش علمی و تاریخی مطرح است.

کهن‌شنی‌های تاریخ

مسعود ملک‌پور

جنایات و مکافات

۱- در لشکر کشی کمبوجیه به مصر شخصی یونانی‌الاصل به نام فانس مدت‌ها مشاور و همکار آمازیس و فرعون مصر بود که به دلیلی از فرعون رنجیده و به ایران پناهنده می‌شود. فانس از اوضاع مصر و مسیرهای مناسب برای لشکر کشی اطلاعات کافی به کمبوجیه می‌دهد. هنگامی که دو لشگر ایران و مصر به هم رسیدند، یونانی‌های لشگر مصر که متوجه خیانت فانس شده بودند در محل مرتفعی پسران او را کشته و خون آنها را با آب و شراب مخلوط کرده و به سربازان خوراندند.
با رغم اینکه در این

جنگ مصری‌ها شکست خوردند ولی خیانت فانس و پاداشی که هموطنانش به او دادند در تاریخ ماند.

۲- حاج ابراهیم کلانتر که سال‌ها به زنده خدمت کرده بود، به دلیلی خیانت کرده و بسردار رشید زنده لطفعلی‌خان زند را به شیراز راه نداد و موجب سقوط سلسله زندیه و روی کار آمدن قاجارها شد.
این حاج ابراهیم به مدت چهار سال در خدمت آغا محمدخان بود و چهار سال هم صدارت فتحعلی‌شاه را بر عهده داشت و خدمات ذی‌قیمتی به آنها کرد. ولی فتحعلی‌شاه به پیروی از عادت زشت و مذموم وزیر کشی آبا و اجدادی خود غزنویان و سلجوقیان که در کشتن افراد خدمتگزار خود شهره آفاقند و درناک‌ترین آن کشتن رشیدالدین فضل‌الله بود، امر داد تا حاج ابراهیم را از دو چشم کور و زبانش را بربندند و بالاخره او را کشتند و پسر دوم او را هم از دو چشم نابینا کرد.

۳-اقبال السلطنه ماکویی یکی از مرزداران غرب کشور از مخالفان سرسخت مشروطه‌خواهان بود. به طوری که در یک روز سیزده دهکده آنها را با خاک یکسان کرد. زنان را پستان برید و کودکان را در آب خفه کرد و از هر گونه قتل و جنایت دریغ نکرد. اما بعدها که امیرلشگر طهماسبی به فرمان رضاشاه به فرماندهی سپاه غرب تعیین شد، اقبال‌السلطنه ماکویی را به زندان افکند و کشت و کلبه خراپ و جواهرات او را به تهران فرستاد. صدها نمونه دیگر در تاریخ فریاد می‌زنند که دنیا دار مکافات است.

اولین مجلس مشروطه

در اولین انتخابات مجلس شورای ملی طایفه ارمنه با نهایت نجات حق خود را به آیت‌الله اسیدمحمد طباطبایی و طایفه یهود هم به آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی دادند ولی طایفه زردشتی ارباب جمشید را وکیل خود قرار دادند. او تنها وکیل غیرمسلمان بود که شانه به شانه علمای دینی در مجلس نشست و بعدها عضو هیات‌رئسه شد و بسیار مورد احترام بود.

لکه ننگ

حاج علیخان فراشباشی ناصرالدین‌شاه بود و منزلش همین بهارستان بود که آن را از خان باباف سردار ایرانی خریده بود. او پناهی را دوست داشت و تیمچه صاحب‌الدوله را همین شخص ساخت. هنگام غذا خوردن لباس سفید می‌پوشید. او سه سته مطرب داشت که دو دستاش زنانه بود که هنگام غذا خوردن حاجی برایش ساز می‌زدند. او با اجرای فرمان ناصرالدین‌شاه مبنی بر قتل امیر کبیر لکه ننگی بر دامن خانواده خود و تاریخ ایران گذاشت.

عدل و طناب

بدون طناب انداختن عدالت نمی‌شود.

سخنی از ناصرالدین‌شاه در ماجرای اعدام ۱۰ سرباز متهمرد!

منابع:

۱- درباره شاهان فرخ سرآمد

۲- قضاوت تاریخ اسماعیل رزم‌آسا

تاریخ

کلیسای سنت استفانوس

تلاقی هنر، مذهب و تاریخ

ترجمه: رضا دستجویی

کلیسای سنت استفانوس یکی از چندین کلیسای باشکوهی است که حد فاصل قرون دهم و دوازدهم میلادی در ایران احداث شدند. سبک معماری این کلیسا تلفیقی از اسلوب‌های اورارتویی، پارتی، یونانی و رومی است که با بنای سازه‌های خارق‌العاده اشیمادزین، تادئوس و اختمار برابری می‌کند. نظرات متفاوتی راجع به تاریخچه بنای این سازه که از شاهکارهای معماری شمال غرب ایران به شمار می‌آید و به دست ارمنی‌ها بنا شده، وجود دارد. برخی از این نظر‌گاه‌ها فارغ از مدارک و شواهد تاریخی یا تکامل سبک‌های معماری، آن است که قدمت این سازه به قرن اول میلادی باز می‌گردد. سیاحانی چون تاورنیه معتقدند تاریخچه این کلیسا به عصر صفویان بازمی‌گردد. به هر حال شواهد و مدارک تاریخی، نوع بنا، مصالح ساختمان، تزئینات بنا و فلسفه آن همه گواه این حقیقت هستند که این کلیسا هم‌عصر با کلیساهای اختمار و تادئوس یعنی حد فاصل قرون دهم تا دوازدهم میلادی بنا شده. این کلیسا که همچنان در خاطر مسیحیان سراسر جهان است و همه‌ساله میزبان صدها گردشگر داخلی و خارجی است در روستای دورافتاده دره شام در منطقه گیجلارت در بخش پلدشت ماکو واقع است. این بنا تا پیش از سال ۱۹۷۱ تنها از طریق راه خاکی قابل دسترسی بود.

نمای کلیسای سنت استفانوس

با نگاهی به این کلیسا از فاصله سه کیلومتری جلغا، می‌توان ویرانه‌های کاروانسرای ر مشاهده کرد که در عصر شاه‌عباس و با هزینه خواجه نظر ارمنی بنا شده بود. خواجه نظر از جمله ارمنی‌هایی بود که در عصر شاه‌عباس به اصفهان مهاجرت کرد. این شهر از برای وی موفقیت‌های فراوان، التفات شاه و ثروتی قابل توجه را به ارمغان آورد. خواجه نظر با اجازه شاه کاروانسرای بزرگی از خشت و سنگ بر ویرانه‌های این مکان بنا کرد تا مسافرائی که برای رسیدن به ایران از رود ارس عبور می‌کردند بتوانند پیش از ورود به سوجیا که امروزه روستای شیخ خوانده می‌شود در آن استراحت کنند. پل قدیمی جلغا از نزدیکی این کاروانسرا قابل مشاهده است. این پل طبق گزارش‌های حمدالله مستوفی به دست ضیاءالملوک نخجوانی احداث شد. پایه‌های این پل هنوز هم در رود ارس که از ترس دشمن در آب افکنده شدند قابل مشاهده‌اند. تاورنیه معتقد است این پل به دست شاه‌عباس در بحبوحه جنگ با عثمانی و همزمان با تخریب جلغا ویران شد. خرابه‌های این شهر به همراه قبرستانی به جامانده در ساحل شمالی رود از بخش جنوبی پل قابل مشاهده‌اند. صدها سنگ قبر بلند در ردیف‌های متوازی در این قبرستان قد برافراشته‌اند. ارمنی‌ها معتقدند اجساد دفن شده در این قبرستان، کشته‌های مسیحی هستند. اندکی رو به غرب در کرانه‌های جنوبی ارس، آرامگاهی کوچک با نام کلیسای ناخیرچی به چشم می‌خورد. ناخیر در زبان ترکی آذری به معنای صدای چوپان گله است. سارکیس مسوول کهنسال کلیسای سنت استفانوس می‌گوید: «هن از پدر و مادرم شنیدم یک چوپان این کلیسای کوچک را بنا کرد تا چوپانان هنگام چرای دام‌شان از عبادت خداوند غافل نشوند.»

کلیسای سنت استفانوس

این کلیسای کوچک در منطقه‌ای محصور واقع است و به شکل استوانه‌ای با سقفی مخروطی‌شکل

کوشی

آثار کهن ایرانی در قلب فرانسه

چندی پیش گروهی از کاوشگران فرانسوی وابسته به بنیاد ملی پژوهش‌های پیشگیرانه باستان‌شناختی (INRAP)، پرستشگاهی را در آژه، شهری در غرب فرانسه، کشف کردند که کریستیان گودینو، مورخ و باستان‌شناس معروف فرانسوی، آن را کشفی استثنایی خوانده است. این پرستشگاه از اوایل قرن سوم میلادی برای پرستش میترا یا مهر، یکی از آیین‌های باستانی ایرانی، ساخته شده بود.

تاکنون باستان‌شناسان فرانسوی چندین پرستشگاه میترا در خاک فرانسه شناسایی کرده‌اند. این ایزد را در سانسکریت و پارسی باستان «میترا» و در فارسی «مهر» می‌نامند. از همین رو در فارسی به پیروان آیین میترا، مهرپرست یا میترائیسم می‌گویند. کار اصلی کاوشگران این بنیاد پژوهشی، ردیابی و کشف میراث باستان‌شناختی فرانسه در زمین‌هایی است که در محدوده طرح‌های بزرگ راهسازی یا ساختمان‌سازی قرار گرفته‌اند و عملیات خاکبرداری و خاکریزی در آنها آغاز شده است. سالانه هفتصد کیلومتر مربع از خاک فرانسه را با طرح‌هایی از این دست زبرو رو می‌کنند. کاوشگران بنیاد، پرستشگاه میترا را در محل درمناگاه قدیمی سن لویی در آژه کشف کرده‌اند. این پرستشگاه را در

سال پنجم ■ شماره ۱۰۸۴ ■ سه‌شنبه ۲ مهر ۱۳۸۹



سنگ مرمر ساخته شده است و قسمت‌های بالایی پایه با طاق‌نماهای مارپیچ تزئین شده‌اند. ۱۶ پهلوست. اگر با دقت نگاهی به طرح‌های حیرت‌انگیز و زیبای این برج و منشور ببندازیم شگفت‌انگیزند. این آثار همچون بسیاری از آثار هنری ایران با ظرافت و دقت نظر و توجه خاص به قرینه‌ها از بهترین و زیباترین آثار هنری به شمار می‌آیند. در این کلیسا سه محراب وجود دارد که هر یک گنبدی زیبا به ارتفاع حدوداً سه متر با طاق‌هایی درخشان دارد و بر چهار ستون بلند و باریک قرار گرفته‌اند. این محراب‌ها با محراب اصلی در مرکز بنا در تقارن‌اند و محراب‌های کوچک‌تر به سمت شمال و جنوب محراب اصلی قرار گرفته‌اند. محراب‌ها مکعب‌شکل‌اند و در ارتفاع ۳۰ سانتیمتری سطح زمین واقع شده‌اند. اشیای جالبی در آرامگاه وجود دارد از جمله دو صندلی منبت‌کاری‌شده،

محراب در بخش زیرین یک گنبد چتری‌شکل قرار گرفته و پایه‌های آن با منبت‌کاری و نقش‌هایی بی‌نظیر که تا حدودی یادآور نقاشی‌های مذهبی قرون شانزدهم و هفدهم هستند، مزین یافته است. قربانگاه در بخش شرقی آرامگاه واقع شده و از سطح زمین ۹۶ سانتیمتر ارتفاع دارد. پایه و نمای قربانگاه از محراب در بخش زیرین یک گنبد چتری‌شکل قرار گرفته و پایه‌های آن با منبت‌کاری و نقاشی‌هایی بی‌نظیر که تا حدودی یادآور نقاشی‌های مذهبی قرون شانزدهم و هفدهم هستند، زینت یافته است. قربانگاه در بخش شرقی آرامگاه واقع شده و از سطح زمین ۹۶ سانتیمتر ارتفاع دارد. پایه و نمای قربانگاه از



و جنگ است که پیروانش او را شکست‌ناپذیر می‌دانستند. مهاجمان از خود چندین نقش‌نگاری و نوشته نیز به جا گذاشته‌اند. کیش میترای را نظامیان و بازرگانان رومی که به شرق رفت و آمد می‌کردند و در آنجا با این کیش آشنا شده بودند، در سرزمین‌های امپراتوری روم رواج دادند. مسیحیان آن را رقیب دین مسیح می‌شمردند. پس از آنکه تئودوس کبیر مسیحیت را دین رسمی امپراتوری کرد، در سال ۳۹۲ میلادی، کیش میترای را در سراسر امپراتوری‌اش ممنوع اعلام کرد. میترا، ایزد خورشید و جنگ است و معمولاً آن را در حال کشتن گاوی نر تصویر می‌کنند. زادگاه میترا را سرزمین ایران می‌دانند. در روایات آمده است که او در غاری از یک صخره زاده شد. نخست، شبانی که در آن حوالی بودند بر او ایمان آوردند. آنگاه او گاوی نر را بکشت و هرجا که قطره‌ای از خون گاو فروچکید، آنجا سرسبز و بارور شد. بعضی از پژوهشگران، نشانه‌های پرستش او را در دوره‌های پیش از آمدن آریاییان به ایران یافته‌اند. آنچه مسلم است، این آیین پیش از ظهور کیش زرتشتی در ایران رایج بوده است. میترا یا مهر چنان جایگاهی در ایران پیش از زرتشت داشته که به اوستا نیز راه یافته و به صورت فرشته فروغ و روشنایی و پاسدار عهد و پیمان درآمده است. یکی از پشت‌ها زیر عنوان مهریشت به نام اوست.

شکل چتری ۳۲ ضلعی پوشانده شده و بر بالای سستونی قرار گرفته که به شکل ستاره‌ای ۱۶ پهلوست. اگر با دقت نگاهی به طرح‌های حیرت‌انگیز و زیبای این برج و منشور ببندازیم شگفت‌انگیزند. این آثار همچون بسیاری از آثار هنری ایران با ظرافت و دقت نظر و توجه خاص به قرینه‌ها از بهترین و زیباترین آثار هنری به شمار می‌آیند. در این کلیسا سه محراب وجود دارد که هر یک گنبدی زیبا به ارتفاع حدوداً سه متر با طاق‌هایی درخشان دارد و بر چهار ستون بلند و باریک قرار گرفته‌اند. این محراب‌ها با محراب اصلی در مرکز بنا در تقارن‌اند و محراب‌های کوچک‌تر به سمت شمال و جنوب محراب اصلی قرار گرفته‌اند. محراب‌ها مکعب‌شکل‌اند و در ارتفاع ۳۰ سانتیمتری سطح زمین واقع شده‌اند. اشیای جالبی در آرامگاه وجود دارد از جمله دو صندلی منبت‌کاری‌شده،

محراب در بخش زیرین یک گنبد چتری‌شکل قرار گرفته و پایه‌های آن با منبت‌کاری و نقاشی‌هایی بی‌نظیر که تا حدودی یادآور نقاشی‌های مذهبی قرون شانزدهم و هفدهم هستند، زینت یافته است. قربانگاه در بخش شرقی آرامگاه واقع شده و از سطح زمین ۹۶ سانتیمتر ارتفاع دارد. پایه و نمای قربانگاه از

دارد. برای رسیدن به کلیسا باید از دالان تنگی گذشت، از چند پله بالا رفت و بعد وارد حیاط کلیسا شد. کلیسا تماماً از سنگ ساخته شده و متشکل از سه بخش مجزای برج ناقوس کلیسا، پایه‌های کلیسا و کوره دانیال است. پایه‌های کلیسا ۱۶ متر در ۱۶ متر حجم دارند و ارتفاع‌شان به اندازه سه طبقه بنای سنگی است. بنایی و حجاری جرزها، گنبدها، طاق‌ها و ستون‌ها، همچنین تزئینات و نقاشی‌های روی طاق‌ها بسیار بدیع و زیبا هستند و منبت‌کاری‌های رنگ و رورفته درها به خوبی هر چه تمام‌تر کار شده‌اند.

در کلیسای سنت استفانوس

نقاشی‌های زیبای گنبد و حجاری‌های بالا و پایین آن با انچنان دقتی انجام شده‌اند که بحق باید آن را در زمره اندک شگفتی‌های هنری موجود در جهان به شمار آورد.
این زیبایی‌ها تنها به گنبد محدود نمی‌شوند بلکه نقاشی‌ها و تزئینات طاق‌ها و ستون‌های ورودی، این زیبایی را در سرتاسر بخش‌های این بنا گسترانیده‌اند. البته این ویژگی‌های منحص به فرد در طرح‌های زیبای دیگر کلیساها نیز مشهود هستند. حجاری‌های چشمگیر حواریون، پرهیزگاران و فرشتگان همه بر نماهای این بنای درخشان نقش بسته‌اند. این برج با هرمی به



بوده است. پس از نام جنیالیس، سه حرف دیده می‌شود که به گمان باستان‌شناسان ممکن است باقی مانده کلمه‌ای باشند. شاید سفارش دهنده، امبی ین یعنی اهل امی ین بوده و در آژه نمی‌زیسته است. به این سان، این ظرف کوچک سفالی، روایتگر سرگذشت یکی از پیروان آیین میترا در قرن سوم میلادی است که از امی ین به راه افتاده بوده است تا پس از پیمودن ۶۰۰ کیلومتر راه به کارگاه‌های سرامیک‌سازی معروف لزو برسد و از آنجا تنیدیسی یافته‌اند که بی‌گمان برای پرستندگان، نماد و تجسم میترا بوده است. باستان‌شناسان هنوز نتوانسته‌اند کارکرد بعضی اشیای به دست آمده را در این پرستشگاه به درستی تعیین کنند. ظرفی سفالی به شکل مشربه بیش از همه کنجکاوی را بیشتر از کلاه فروگیایی آن می‌شناسند. تنیدیسی به میترا، ایزد شکست‌ناپذیر. حدس می‌زنند که این ظرف را در فاصله میان سال‌های ۱۶۰ و ۲۲۰ میلادی در یکی از کارگاه‌های لزو در نزدیکی‌های کرمون فران ساخته‌اند. «شهرودن جنیالیس» نام شخصی است که گویا سفارش ساختن این ظرف سفالی را داده بود تا آن را به میترا تقدیم کند. این نام بر روی ظرف حک شده است که نشان می‌دهد سفارش‌دهنده ظرف، پیش از پختن سفال در کوره، نام و هدیه نامه خود را بر روی ظرف نوشته

